

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

غلامرضا جمال‌الدین<sup>۱</sup>، احمد صالحی کاخکی<sup>۲</sup>

## جایگاه و شأن اجتماعی معمار (مهندس) در دوران ایلخانی و تیموری<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از موضوعات مهم در حوزه تاریخ‌نگاری معماری ایران که از اقبال و توجه کمتری برای پژوهش برخوردار بوده است، جایگاه اجتماعی معماران و مهندسان در برهه‌های مختلف تاریخ است. مطالعه و جست‌وجوی پاسخی برای این پرسش که در حلقه ساخت‌وساز یک اثر معماری که عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع‌زایی در آن دخیل است، نقش معمار و بانی و حامی در آن تا چه حد بوده است در تدوین و نوشتن تاریخ معماری ایران می‌تواند ابعاد نو و کمتر دیده شده‌ای را برای پژوهشگران این حوزه به همراه داشته باشد. این مقاله قصد دارد تا با بررسی جایگاه اجتماعی معماران و صنف ایشان و طبقه‌های حامی و بانی معماری در دو دوره ایلخانی و تیموری، به نقش و جایگاه هر یک از مؤلفه‌های معمار و بانی و حامی در مسیر آثار معماری بپردازد. نتایج حاصل از این تحقیق از وجود چهار گروه معمار با مراتب متفاوت اجتماعی و به تبع آن اختیارات متفاوت در اجرای بناها حکایت دارد و همچنین طیف گسترده‌ای از حامیان و بانیان خاص و عام، از جمله دیوان‌های دولتی تا طبقات اشرف، لشکری و سادات و شیوخ را برای این دوران نشان می‌دهد. این مقاله از گونه پژوهش‌های تاریخی است که با شیوه مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل و استخراج اطلاعات متون می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** دوره ایلخانی و تیموری، معماران و مهندسان، جایگاه اجتماعی معمار، حامیان و بانیان معماری.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: gholamreza.jamal.al.din@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان

E-mail: Salehi.k.a@au.ac.ir

<sup>۳</sup> این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد غلامرضا جمال‌الدین با عنوان «جایگاه و شأن معمار و پیشه معماری در دوره ایلخانی و تیموری به روایت متون» به راهنمایی دکتر احمد صالحی کاخکی و مهندس محمدرضا حائری در دانشگاه هنر اصفهان است.

## مقدمه

برای آگاهی از نقش و تأثیر مؤلفه‌های گوناگون در یک اثر معماری، شناخت و بررسی علت‌های اثرگذار در آن همچون معمار (مهندس)، ماهیت و شأن معماری و همچنین وجود حامیان و بنیان و کارگزاران، از جنبه‌های حیاتی محسوب می‌شود که بسته به سیاق تاریخی هر دوره، میزان نقش هر یک از عوامل مذکور متفاوت است (قیومی، ۱۳۹۰، ۹۵). یکی از موضوعات بسیار مهم که در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران کمتر مورد عنایت و توجه پژوهشگران قرار گرفته، جایگاه اجتماعی معمار و نقش و ارتباط وی با حامیان و بنیان در مسیر آثار معماری است. بی‌اعتنایی و عدم توجه به پیچیدگی‌هایی که در حلقه ساخت‌وساز یک اثر وجود دارد، سبب شده تا اکثر مباحث تحریر شده در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران به‌خوبی تمام جنبه‌های آشکار و پنهان آن را نشان ندهد. در واقع، مطالعه بناها که آخرین مرحله از فرآیند یک ساخت‌وساز است، موجب غفلت در باب بسیاری از مسائل دخیل و مؤثر دیگر در آنها شده است. از این‌رو، این سؤال‌ها در اینجا مطرح می‌شود که در یک اثر تاریخی که به‌عنوان آخرین فرآیند یک ساخت‌وساز معماری در برابر پژوهشگر قرار گرفته است، چه ارکان و عواملی در اجرا و ساخت آن دخیل بوده است؟ و نقش معمار و بانی و حامی در آن تا چه حد بوده است؟ معمار تا چه اندازه قدرت تصمیم‌گیری در باب امور اثر را داشته است؟ حامیان و بنیانی که مشوق برپایی بناها بودند، از چه مرتبه و چه گروهی و دارای چه اختیاراتی بودند؟ در واقع قصد تمام این پرسش‌ها مطرح کردن این موضوع است که میزان نقش مؤلفه‌های مذکور در یک اثر به چه نحو بوده است.

در دوران ایلخانی و تیموری بر پایه متون و برخی اسناد حکومتی این دوران، معماران و مهندسان در طبقه متوسط جامعه قرار داشتند و در رتبه‌بندی مشاغل و اصناف از پایین‌ترین گروه‌ها محسوب می‌شدند (نخجوانی، ۱۳۵۵، ۱۲۴؛ طوسی، ۱۳۲۰، ۸۲؛ آملی، ۱۳۸۲، ۳۹۸-۴۰۰؛ تربتی، ۱۳۴۲، ۲۰۴-۲۱۴؛ راوندی، ۱۳۵۷، ۳/۳۵). البته این تقسیم‌بندی در تمامی ادوار ثابت نبود و این امکان وجود داشت تا هر شخص یا گروهی از این صنف، به علت منزلت و ارتباط خود با گروه‌های سیاسی و دینی و یا توجه و عنایت شخصی صاحب نفوذ، در مرتبه و منزلتی بالاتر قرار بگیرد (نخجوانی، ۱۳۵۵؛ فرخی، ۱۳۸۶). بر اساس متون این دوران می‌توان از چهار گروه معمار و مهندس سخن گفت که بسته به منزلت و جایگاه خویش، نقش متفاوتی را در فرآیند یک اثر داشتند: (۱) معماران دربار، (۲) معماران اصناف، (۳) معماران مهاجر و (۴) سایر (کسانی که معماری به نحوی پیشه دوم آنها محسوب می‌شد). طیف و مرتبه اجتماعی حامیان این دوران، گستردگی بسیاری را در این زمینه نشان می‌دهد. حامیان و بنیان می‌توانستند از خاندان و خانواده سلطنتی یا از شیوخ و سادات و یا از خانواده‌های بانفوذ محلی باشند و یا گروهی چون نقشبندیه در مقام یکی از اصلی‌ترین حامیان معماری درمی‌آید (ویلبور، ۱۳۷۴، ۹۵؛ جعفری، ۱۳۸۴، ۹۴-۱۷۶؛ رشیدالدین، ۱۳۵۸، ۳۰، ۲۲۰، آیتی، ۱۳۸۳، ۱۵۲، ۱۹۴، ۲۱۲؛ اللهیاری و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۲). بسته به زمینه تاریخی و اجتماعی، حامیان و بنیان نیز میزان تأثیرگذاری متفاوتی بر آثار معماری داشتند. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی معمار و معماری و حلقه‌های وابسته به آن در دوران ایلخانی و تیموری، به شناسایی برخی از زوایای مغفول تاریخ معماری اسلامی ایران پرداخته شود و با نگاهی دیگر، در بهبود تاریخ‌نگاری آن قدمی کوچک برداشته شود. در ابتدا با رجوع به متون به بررسی جایگاه صنف معماران و جایگاه اجتماعی معمار و همچنین به معرفی و بررسی احوال برخی از معماران و مهندسان در دو دوره مذکور پرداخته می‌شود. بعد از این مباحث، از نقش حامیان و بنیان صحبت خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش و بررسی مستقلی درباره جایگاه اجتماعی معمار در دوره‌های مذکور با رجوع و استناد به متون و منابع این دوران صورت نگرفته است؛ هر چند باید در اینجا به این نکته اشاره کرد که پژوهش‌هایی پراکنده در باب معرفی معمارانی از دوره تیموری چون «قوم‌الدین شیرازی» توسط ویلبر (۱۳۷۴؛ ۱۳۸۷) و اوکین (۱۳۸۶) انجام گرفته است. ماریا سابتلنی (۱۹۹۴) درباره دیگر معمار ذکر شده در متون تیموری یعنی «میرک سیدغیاث» پژوهش مستقلی را انجام داده است و به معرفی وی و کارهای او در این دوره پرداخته است. مرتضی راوندی (۱۳۵۷) در جلد سوم کتاب خویش یعنی *تاریخ اجتماعی ایران و هایدی لاله* (۱۳۷۵) در مقاله «معماران دوره اسلامی، دانش نظری و کاربرد عملی آن»، مطلبی را درباره معمار دوره ایلخانی یعنی «ملک‌المهندسین پیرحسین» به نقل از کتاب *دستورالکاتب هندوشاه* نخبجوانی آورده‌اند. اما هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، به جایگاه اجتماعی معمار و صنف معماران و بحث درباره نقش معمار در فرآیند یک اثر نپرداخته‌اند. در خصوص موضوع حامی و بانی در دو دوره ایلخانی و تیموری، هم ویلبر (۱۳۷۴) و هم اوکین (۱۳۸۶) در کتاب‌های خویش از حمایت دربار و خانواده‌های سلطنتی صحبت کرده‌اند و همچنین شیلا بلر (۱۳۷۵) در مقاله «الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانیان»، در باب حمایت رشیدالدین از هنر و هنرمند بحث کرده است. اما در تمامی این پژوهش‌ها در باب سایر طبقات و بانیان و دیوان‌هایی که در این دوران نقش مهمی در توسعه معماری داشته‌اند، مبحثی ارائه نشده است.

## طبقه‌بندی اصناف و جایگاه اجتماعی معماران (مهندسان) در دوره ایلخانی و تیموری

بی‌گمان بخش مهمی از شناخت تاریخ معماری ایران را اسناد دیوانی و متون تاریخی تشکیل می‌دهند. این اسناد با توجه به اینکه در تدوین و تألیف خود از صحت و دقت تاریخی نسبتاً بالایی برخوردار هستند می‌توانند از اصناف و پیشه‌ها و شأن اجتماعی گروه‌های یک دوره تاریخی، اطلاعات ارزنده‌ای را به دست دهند. کتاب *دستورالکاتب فی تعیین المراتب* نوشته هندوشاه نخبجوانی از جمله این منابع ارزشمند است که در شناخت تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایلخانان و اصناف و پیشه‌وران این دوره قابل اعتنا است. می‌توان با اساس قرار دادن این کتاب و استخراج گروه‌های اجتماعی به‌خصوص جایگاه معماران و مهندسان و دیگر اصنافی که در رده‌های پایین‌تر و بالاتر از این پیشه قرار دارند و با بررسی روابط آنها با یکدیگر در این دوره گام مؤثری در شناخت نقش این پیشه‌ها و سایر عوامل دخیل در ارتباط با آنها برداشت. در این کتاب، هندوشاه، کاتب و منشی دوران پایانی حکومت ابوسعید ایلخانی، به تعیین مراتب و القاب و ادعیه دوران ایلخانی می‌پردازد. کتاب از دو بخش تشکیل شده است. قسم (قسمت) اول به مکاتبات و نامه‌نگاری و تعیین مرتبه و القاب جامعه می‌پردازد و در قسم دوم به حکم‌های دیوانی و شرعی و نظامی پرداخته می‌شود. قسم اول به چهار مرتبه تقسیم شده است (نخبجوانی، ۱۳۵۵، ۱/۱۲۴؛ فرخی، ۱۳۸۶، ۳۵۹؛ دارانی و هراتیان، ۱۳۸۷، ۲۲۲).

جدول ۱. جایگاه پیشه‌ها و مشاغل در مرتبه سوم کتاب نخجوانی

| ردیف | پیشه و منصب | ردیف | پیشه و منصب    | ردیف | پیشه و منصب       |
|------|-------------|------|----------------|------|-------------------|
| ۱    | علما        | ۸    | خطبا           | ...  | ...               |
| ۲    | حکما        | ...  | ...            | ۳۳   | ابطال و شجعا      |
| ۳    | مدرسان      | ۱۳   | حفاظ           | ۳۴   | اسفهلاران         |
| ۴    | مقتیان      | ۱۴   | ارباب فتوت     | ۳۵   | کوتوالان و قلاع   |
| ۵    | مفسران      | ۱۵   | صلحا و منقطعان | ۳۶   | مقدمان طوایف      |
| ۶    | محدثان      | ۱۶   | محتسبان        | ۳۷   | مهندسان و معماران |
| ۷    | وعاظ        | ۱۷   | منجمان         | ۳۸   | صدور و اعیان      |

منبع: نگارندگان

نخجوانی در مرتبه اول به طبقه‌بندی جامعه با تقسیم آن به سه گروه می‌پردازد. در مرتبه اول، القاب سلاطین و خانواده او و شاهزادگان قرار دارند. در مرتبه دوم به صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و ... پرداخته می‌شود. مرتبه سوم به «الناس» یا گروه‌های فاقد قدرت سیاسی اختصاص دارد (نخجوانی، ۱۳۵۵، ۳۹؛ فروغ‌بخش فسایی، ۱۳۸۰، ۴۷). این گروه به دو صنف تقسیم می‌شود: صنف اشراف و اواسط. صنف اشراف به «۳۸» گروه تقسیم می‌شود که در رأس آنها علما و در پایان، صدور و اعیان قرار دارد، صنف معماران و مهندسان در رده «۳۷» این گروه و طبقه قرار گرفته است (نخجوانی، ۱۳۵۵؛ فرخی، ۱۳۸۶؛ فسایی، ۱۳۸۰) (شکل ۱).



شکل ۱. طبقه‌بندی جامعه و اصناف و جایگاه اجتماعی معماران و مهندسان در دوره ایلخانی<sup>۲</sup>

منبع: نگارندگان

اما دستورالکاتب تنها گزارش و منبع برای این تقسیم‌بندی و معرفی جایگاه اجتماعی معمار و مهندس نیست. کتاب دستور دبیری و مکاتبات رشیدی متونی از قرن ششم هجری و پیش از دستورالکاتب همین تقسیم سه‌گانه را گزارش می‌دهند. دیگر منابع این دوره چون اخلاق ناصری طوسی و کتاب نفایس‌الفنون فی العرایس‌العیون با تقسیم جامعه و اصناف به سه گروه و قرار دادن ارباب صنعت چون معماران و مهندسان در مرتبه متوسط، مشابه همین طبقه‌بندی را ارائه می‌دهند (شکل ۱). در تمامی این متون جایگاه اجتماعی معمار و مهندس به خوبی مشخص شده است، اما باید به این نکته توجه داشت که مطابق کتاب هندوشاه نخجوانی، گروه‌های اجتماعی در ایران و در این دوره مانند معمار و مهندس، بر اساس آمیزه‌ای از منزلت معنوی در جامعه و نزدیکی با قدرت سیاسی یا دینی این امکان را داشتند تا از مرتبه پایین به مرتبه‌ای بالاتر راه پیدا کنند (فرخی، ۱۳۸۶، ۳۶۴). چنانچه در همین کتاب شخصی به نام «پیرملک حسین» از مهندسان بنام دوره ایلخانی معرفی شده و از کارهای وی در کتاب گزارش‌هایی آمده است؛ چرا که معمار مخصوص دربار بود (نخجوانی، ۱۳۵۵، ۵۴۲/۱). در دوره تیموری همانند دوره ایلخانی، معماران و مهندسان و بیشتر اهل صنعت در طبقه متوسط جامعه قرار داشتند. در واقع چنین مرتبه‌بندی را می‌توانیم در بیشتر تاریخ اجتماعی ایران ببینیم. نزوکات تیموری (تربتی، ۱۳۴۲، ۲۰۴-۲۱۴) و گزارشی از امیر علیشیرنوایی و نامی‌نامه میرخواند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۳، ۷۲) در این دوره به طبقه‌بندی و ذکر گروه‌های اجتماعی می‌پردازند که تا حد زیادی مشابه همان تقسیم‌بندی ارائه شده در منابع ایلخانی است (جدول ۲ و ۳).

جدول ۲. جایگاه پیشه‌ها و مشاغل در دوره تیموری به روایت نزوک تیموری

| ردیف | پیشه‌ها و مناصب                           | ردیف | پیشه‌ها و مناصب  |
|------|---|------|--|
| ۱    | سادات و علما و شیوخ و مشاورین نزدیک سلطان | ۷    | وزرا و منشیان سلطان  |
| ۲    | اصحاب رأی و تدبیر و اهل تجربه             | ۸    | اطباء، منجمین و مهندسین  |
| ۳    | زهاد و پرهیزکاران                         | ۹    | مورخین و واقعه‌نگاران  |
| ۴    | امرا و سران لشکر در امور نظامی            | ۱۰   | متشرعین و متکلمین و اصحاب دیانت                                |
| ۵    | سپاه                                      | ۱۱   | صنعتگران و کارگران ذی‌فن برای ساختن قصور و اسلحه و تجهیزات     |
| ۶    | ندما و معتمدین سلطان                      | ۱۲   | سیاحان و مسافران که تیمور را از احوال سایر ممالک آگاه می‌کردند |

منبع: نگارندگان

جدول ۳. جایگاه پیشه‌ها و مشاغل در دوره تیموری به روایت علیشیر نوایی

| ردیف | پیشه‌ها و مناصب                       | ردیف | پیشه‌ها و مناصب           |
|------|---------------------------------------|------|---------------------------|
| ۱    | سلطان                                 | ۷    | منجمین                    |
| ۲    | امرا و بیگ‌ها و شاهزادگان، نواب، وزرا | ...  | ...                       |
| ۳    | یساولان و چاوش‌ها                     | ۲۲   | پیشه‌وران و کسبه خرد      |
| ۴    | قضات، مفتیان                          | -    | (معماران و مهندسان)       |
| ۵    | مدرسین، اطباء                         | ...  | ...                       |
| ۶    | ائمه مساجد، مقریان، حفاظ قرآن،        | ...  | معرکه‌گیران و شعبده‌بازان |

منبع: نگارندگان

در تزوک تیموری معماران و مهندسين در طبقه‌بندی اصناف و در جایگاه متوسط قرار دارند و در سندی دیگر از علیشیر نوایی، «پیشه‌وران و کسبه خرد» به جایگاه معمار و مهندس اشاره دارد. همانند دوران ایلخانی، معماران دوران تیموری هم صرفاً در جایگاه متوسط جامعه خویش قرار نداشتند و می‌توانستند گاه به‌واسطه منزلت معنوی و علمی در دربار و دیوان‌های این دوران حضور پیدا کنند. چنانچه در دوران تیموری اشخاصی چون قوام‌الدین شیرازی که امروزه از معماران بنام آن دوره شناخته می‌شود، صرفاً به علت دانش فنون معماری مورد توجه نبود و مهارت وی در «نجوم و احوال ستارگان» امتیازی ویژه برایش به همراه داشت تا در دربار تیموری حضور بیابد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۱۴؛ نوایی، ۱۳۶۳، ۳۱۴؛ ویلبر، ۱۳۸۷، ۷۴-۷۷). در دوران ایلخانی و تیموری اهمیتی که این صنعت داشت باعث راهیابی منجمان بسیاری به دربار شد و بسیاری از آنها با فنون هندسه و مهندسی یا معماری آشنا بودند و این امکان را هم داشتند تا طرح‌هایی را به‌واسطه داشتن دانش این صنعت، اجرا کنند. رشیدالدین در کتاب تاریخ مبارک غازانی از علاقه مغولان به ساختن رصدخانه و علم کیمیا صحبت می‌کند و می‌گوید که منجمان را می‌نواختند و خود غازان از علاقه‌مندان نجوم بود (رشیدالدین، ۱۳۵۸؛ یوسفی، ۱۳۴۸). همچنین ابن عربشاه در کتاب خود زندگی شگفت آور تیمور می‌نویسد: «تیمور دوستدار دانش و دانشمندان بود. فضلا و سادات و بزرگان را به‌سزا نواخته، آنان را گرمی و به خود نزدیک و بر همه عامیان مقدم می‌داشت... بر شاعران و بذله‌گویان خشمگین بود و پزشکان و ستاره‌شناسان را مقرب داشته، سخنانشان در گوش می‌گرفت و به کار می‌بست» (ابن عربشاه، ۱۳۸۱، ۲۳۶؛ همچنین نک. ناظری، ۱۳۸۸). این علاقه به نجوم در دوره شاهرخ و حسین بایقرا دوچندان شد (طیبی، ۱۳۶۸). از این رو، مرتبه علمی و دانش و معرفت در اموری این چنین، سبب فرصت اجرا و ساخت بسیاری از بناهای حکومتی و عمومی را به سایر اشخاصی می‌داد که صرفاً پیشه آنها معماری نبود.

### معماران و مهندسان دوره ایلخانی و تیموری

در متون این دوران دو نوع توصیف و شرح در ذکر احوال معماران و مهندسان قابل مشاهده است. دسته اول شامل موارد زیادی اشاره‌های عام و یا عناوینی کلی به سازندگان یک بنا است که غالباً با صفتی ستایشی برای پیشه آنها همراه است؛ و مورد دوم اشاره خاص به ذکر نام معمار یا مهندس است که به‌عنوان سازنده بنا معرفی می‌شود و بعضاً از برخی احوال وی شرحی داده می‌شود. در *ظفرنامه یزدی*، نویسنده در شرح باغ شمال تیمور در صفت سازندگان آن چنین می‌نویسد: «مهندسان کاردان و معماران چابک‌دست طرح» (شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۶، ۸۴۸/۱). یا در ذکر باغ دلگشا از «مهندسان دانشور و بنایان صاحب هنر» (شرف‌الدین یزدی، همان، ۸۵۹) گزارش می‌دهد. شامی در برپایی مسجد سمرقند از «استادان ماهر و بنایان مهندس» (شامی، ۱۳۶۳، ۲۱۱) گزارش می‌دهد و در ذکر باغ دلگشای تیمور از «بنایان و مهندسان و معماران اقالیم» (شامی، همان، ۱۶۹) سخن می‌گوید. عبدالرزاق سمرقندی در گزارش از ساخت بناهای مدرسه شاهرخ و عیدگاه هرات و باغ جهان‌آرای حسین بایقرا از عناوینی چون «مهندسان دقیق اندیشه، مهندسان باریک‌بین، معماران حاذق، معماران امین، بنایان مدقق، بنایان چابک‌عمل نازک‌پیشه، سرکاران باریک‌بین و سرکاران امین» نام برده است (سمرقندی، ۱۳۷۵، ۱۳۲/۲ و ۸۶۱ و ۱۰۰۸). در تاریخ و صاف در شرح ساخت مقبره شام غازان (شنب غازان) در باب سازندگان آن، نویسنده چنین گزارش می‌دهد: «بنایی چنین زیبا و عالی در جهان ساخته نشده است. برای ساختن این بنا مهندسان ماهر و صنعتگران قابل و توانا از سرزمین‌های همسایه به تبریز فراخوانده شدند» (آیتی، ۱۳۸۳، ۱۲۰). از کم و کیف این عناوین و ویژگی‌ها و چگونگی کار این گروه‌ها نمی‌توان چیز زیادی به‌دست آورد و فقط می‌توان از وجود گروه کثیری از صنعتگران و اصناف چون معماران و مهندسان، آجرکاران، کاشی‌کاران، نجاران و آهنگران سخن گفت. با وجود این، با توجه به

شرایط تاریخی و متون این دوران می‌توان از چهار گروه معمار و هنرمند یا صنعتگر سخن گفت. (شکل ۲). معماران آزاد (صنفي) به آن دست از معماران اشاره دارد که در شهرهای آن روزگاران در صنف معماران و مهندسان عضویت و فعالیت داشتند (نک. فلور، ۱۳۸۸، ۹۲-۹۵) و در اجرا و ساخت بناها موظف به انجام قوانین و دستورات مجریان و ناظران اصناف بودند. اشخاصی چون محتسب که دارای وظایف اجرایی در امور شهری بود، بر ساخت و ساز و نحوه کار ایشان نظارت داشت (ابن‌اخوه، ۱۳۶۰، ۲۲۹). در متون این دوران و تقسیم اصناف و جایگاه آنها در جامعه، هنگامی که صحبت از معماران و مهندسان می‌شود، به این گروه از معماران اشاره می‌گردد. برخلاف معماران دربار و گاه مهاجر، محدودیت‌ها و ضوابط عرفی و اجرایی در کار این معماران بسیار دخیل بوده و آزادی کمتری نسبت به سایر معماران این دوران داشتند (در خصوص قانون عرفی و شرعی بر اصناف نک. ابن‌اخوه، ۱۳۶۰، ۲۲۸-۲۳۱؛ ابن‌بطوطه، ۱۳۶۹، ۲۴۷، ۵۲۹؛ رشیدالدین، ۱۳۵۸، ۲۸۸، ۲۹۰). در متون این دوران می‌توان شرح و گزارش‌های زیادی در باب انتقال و جابجایی صنعتگران و به‌ویژه معماران و مهندسان دید.<sup>۳</sup> چنانچه شرف‌الدین یزدی آورده است: «مهندسان و معماران که از تمام ممالک فارس و عراق و آذربایجان و دارالاسلام (بغداد) و دیگر بلاد به دارالسلطنه (سمرقند) جمع شده بودند طرح آن را کشیدند» (شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۶، ۲/۸۱۰؛ همچنین نک. سمرقندی، ۱۳۷۵، ۱۴۲؛ آیتی، ۱۳۸۳، ۱۲۰). در باب معماران و هنرمندان مهاجر باید این نکته را در نظر داشت که بسیاری از هنرمندان و صنعتگرانی که در این دوران و به‌ویژه دوره ایلخانی به صورت مهاجر در امور معماری شرکت می‌کردند، بیشتر به صورت کارگرهای ساختمانی و حتی در مواردی غلام‌زادهایی بودند که مجبور به یادگیری این حرف بودند. چنانچه نویسنده کتاب تاریخ پانصد ساله تبریز در باب فعالیت‌های معماری و سایر صنعت‌هایی که در زمان رشیدالدین برای دربار توسط پیشه‌وران مهاجر انجام می‌شد، به این نکته اشاره می‌کند که رشیدالدین دستور داده بود به غلام‌زادگان (مهاجران)، فنونی چون معماری، زرگری، مقنی‌گری، باغبانی، نقاشی، خطاطی و ... بیاموزند. غلام‌زاده تا حد امکان می‌بایست به پیشه پدر مشغول می‌شد. «رشیدالدین در مسئله یاد دادن پیشه به غلام‌زادگان اصلاً به سرنوشت آنها علاقه‌مند نبود، برعکس او در پی آن بود که تعداد غلامان صنعتگر افزایش یابد و درآمدش از کار آنان افزون شود. وضعیت غلامان صنعتگر از وضعیت صنعتگران آزاد بدتر بود. آنان در تبریز و ریح رشیدی به صورت روزمزد کار می‌کردند» (عون‌الهی، ۱۳۸۸، ۱۰۵).

| معماران (مهندسان) دربار؛ خاصه   | معماران (مهندسان) مهاجر  | معماران (مهندسان) صنفي  | سایر   |
|---|--|---|--|
| برخی از معماران یا مهندسان که در متون این دوره از آنها یاد می‌شود در خدمت دربار و یا دیوان خاصی که وابسته به حکومت و زیر نظر سلطان بود، قرار داشتند. این گروه از معماران، اجرا کننده و سازنده ساختمان‌هایی بودند که به دستور شخصی افراد حکومتی انجام می‌گرفت. | صنعتگرانی که از شهری به شهر دیگر انتقال داده می‌شدند. برخی از ایشان که به عمل معماری و بنایی مشغول بودند، معماری تخصص و پیشه آنها محسوب نمی‌شد بلکه غلام‌زاده‌ها و یا کارگران اجباری محسوب می‌شدند که باید در یک حرفه خاص مشغول کار می‌شدند. اما گروهی دیگر از صنعتگران مهاجر در همان تخصص و پیشه‌ای که ماهر بودند به کار گرفته می‌شدند. | منظور از معماران صنفی، گروهی از معماران بود که در شهر خود ساکن بودند و جزو صنف معماران محسوب می‌شدند و در ساخت و ساز و معماری، مجبور به اجرای فرامین و قوانین این صنف بودند. در متون ایلخانی و تیموری که صحبت از معماران و مهندسان در طبقه متوسط جامعه شده است، در واقع، به این گروه از معماران اشاره می‌شود. | در برخی از متون صحبت از معمارانی است که حرفه معماری ایشان به نحوی پیشه دوم یا ثانوی آنها محسوب می‌شد. برخی از اینها در سایر علوم چون علوم قرآنی، قضاوت و ... دستی داشتند که در مواردی به درخواست سازنده یک بنا، به دلیل اعتماد و یا بلندپایگی در معرفت و حکمت به ساخت و اجرای بنایی مشغول می‌شدند. |

شکل ۲. گروه‌های معماران و مهندسان در دوره ایلخانی و تیموری

منبع: نگارندگان

در برخی گزارش‌ها در متون این دوره از معمارانی که در سایر علوم خاص زمانه چون نجوم یا علوم قرآنی و دینی تبحر داشتند، یاد شده است و معرفی و شرح احوال آنها بیشتر به علت داشتن این علوم بوده است تا پیشه و کار ایشان یعنی معماری. برخی از معماران اهل ذکر و صوفی و یا از حلقه شیوخ بودند، برخی از متبحران در سایر علوم چون نجوم و سایر صنعت‌ها چون خوشنویسی و یا پیشه شاعری بودند که دستی هم در معماری داشتند (قدسی، ۱۳۵۶، ۴۴) و البته برخی صرفاً به عمل معماری می‌پرداختند و یا متخصص در امر خاصی چون طرح و اجرای باغ بودند. در کنار این موارد، در برخی متون از معماران و معمارباشی‌هایی است که از آنها به‌عنوان دغل‌باز و فریبکار یاد شده ذکر به میان آمده است، چرا که در امور ساختمانی و مزدگیری انواع فریب و دغل‌کاری را به کار می‌گرفتند. چنانچه در تاریخ مبارک غازانی از این موارد گزارش‌هایی آورده شده و ضرورت وجود ناظرانی بر معماران و مهندسان در آن قید گردیده است (راوندی، ۱۳۵۷، ۳/۳۷۸؛ همچنین نک. ابن بطوطه، ۱۳۶۹، ۲۴۷؛ لمبتون، ۱۳۷۴، ۷۵، ۳۱۷، ۴۸۵؛ رضوی، ۱۳۸۹، ۴۶).

بنابراین برای آگاهی از میزان اثرگذاری و نقش معمار در مسیر برپایی بنا در دوره ایلخانی و تیموری و حتی سایر دوره‌های تاریخ اسلامی ایران، باید جایگاه اجتماعی و نسبت وی با سایر گروه‌های اجتماعی را در نظر داشت. شرح و گزارشی که از برخی معماران در متون آورده شده است، در تعیین و فهم مراتب متفاوت جایگاه ایشان قابل توجه است. از دو تن از ایشان یعنی پیرحسین و سید میرک به علت مهارت معماری و باغ‌سازی و حضور در دربار، در منابع این دوران یاد شده است (نخجوانی، ۱۳۵۵، ۵۴۲؛ ابونصر هروی، ۱۳۴۹، ۴۸؛ سابتلنی، ۱۳۸۷، ۲۴). همچنین حسن نثاری بخاری در کتاب خویش *مذکر احباب* از میرک به‌عنوان شاعر یاد کرده است که ذوقی هم در سرودن شعر داشت و در دوران حضورش در بخارا به دربار عبدالله‌خان، حاکم وقت راه یافت و برای وی باغی را طراحی و اجرا کرد (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۱۶۹). از قوام‌الدین و غیاث‌الدین به خاطر داشتن تبحر در علم نجوم و ستارگان، جدای از مهارت ایشان در معماری و مهندسی یاد شده است (نوایی، ۱۳۶۳، ۱۲۴؛ خوافی، ۱۳۸۶، ۳/۱۱۴۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ۱۴/۴، ۱۵). در مورد قوام‌الدین شیرازی باید این نکته را اضافه کرد که کتابخانه‌های فرهنگی دوره شاهرخ و جانشینانش که به‌عنوان کانون‌هایی برای تجمع هنرمندان رشته‌های مختلف عمل کرد و معماران یکی از این گروه‌های هنرمندان محسوب می‌شدند، سبب شد تا نام برخی از هنرمندان این کتابخانه‌ها در متون ذکر شود. همچنین حضور قوام‌الدین در این کانون که وظیفه تهیه طرح و اجرای ساختمان‌های دولتی را بر عهده داشت، یکی دیگر از مهمترین دلایل ذکر نام وی در برخی کتب و متون این دوره محسوب می‌شود (طیبی، ۱۳۶۸، ۳۴؛ قدسی، ۱۳۵۶، ۴۵؛ همچنین نک. سمرقندی، ۱۳۷۵، ۲/۱۳۶؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۳/۳۹۲). جعفر تبریزی که در زمان زمامداری شاهرخ ریاست کتابخانه بایسنغر میرزا را بر عهده داشت و از خوشنویسان مطرح روزگار خویش بود، از دیگر کسانی که شمار می‌رفت که دستی هم در معماری و طراحی ساختمان داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۴/۳۲؛ رحیمی‌فر، ۱۳۷۸، ۱۲۷). در یکی از اولین گزارش‌ها در باب آثار قوام‌الدین در کتاب جغرافیای حافظ ابرو آمده است که طرح مدرسه و خانقاه شاهرخ توسط وی و دیگر معمار و خوشنویس این دوران یعنی «مولانا جعفر بن علی تبریزی» طراحی و اجرا شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۳/۲۴). مولانا عقیف و قاضی امام‌الدین دو تن از معماران دیگر این دوران بودند که به علت اشتغال به علوم دینی و قرآنی و داشتن طریقت اهل ذکر و صوفیان، از آنها در منابع گزارشی آورده شده است (جعفری، ۱۳۸۴، ۹۵، ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۵۸؛ کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۱۰۶، ۱۳۳، ۱۵۶).



## بانیان و حامیان و کارگزاران معماری

بدون هیچ اغراقی دوره ایلخانی و تیموری را می‌توان درخشان‌ترین دوران تاریخ اسلامی در ظهور بانیان، حامیان و کارگزاران عرصه معماری دانست. نه تنها اشخاص خاص و عام، بلکه تأسیس دیوان‌هایی جهت امور معماری و نظارت و توسعه عمران و آبادی نیز در این دوران قابل تأمل است (ویلبر، ۱۳۷۴، ۸۸-۹۰؛ اوکین، ۱۳۸۶، ۱۶۷-۱۸۵) حضور چشمگیر زنان به‌عنوان حامی، به‌خصوص در دوران تیموری، از دیگر ویژگی‌های این دوره‌ها محسوب می‌شود (اوکین، ۱۳۸۶، ۱۷۱-۱۷۳؛ کاوسی، ۱۳۸۹). حامیان و بانیان این دوران امکان داشت که از هر مرتبه و طبقه اجتماعی باشند. خاندان‌ها و سلسله‌های حکومتی و متعلقان وابسته به آنها، طبقات یا اشراف اداری، طبقات یا اشراف لشکری، سادات و شیوخ، اشراف یا خاندان‌های بانفوذ محلی و حتی خادمان و وابستگان بناهای موقوفی از طبقات اصلی بانی و حامی این دوران بودند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳ و ۴؛ خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۳-۱۷۱ و ۱۷۴-۱۷۶؛ کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۸۳-۱۰۴؛ جعفری، ۱۳۸۴، ۵۶-۹۳؛ همچنین در خصوص حمایت از امور مختلف وقفی در دوران رشیدالدین، نک. پویای ایرانی، ۱۳۸۶، ۱۹-۲۲). تشویق و تنبیه‌ای که در این دوران جهت حمایت از معماری و تبعات آن یعنی آبادانی و عمران و یا کوتاهی در اجرای امور آن برای افراد در نظر گرفته می‌شد، خود از حساسیت امر معماری در این دوران خبر می‌دهد (یوسفی، ۱۳۴۸، ۲۲۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۳/۳۳۷). در دوره ایلخانی و به‌خصوص در زمان اصلاحات غازان‌خان، جدا از حمایت شخصی امرای ایلخانی از معماری (به‌طور مثال برای رشیدالدین، نک. غفرانی، ۱۳۸۵، ۱۷۱-۱۷۴)، دیوان‌هایی در این دوره جهت نظارت بر معماری و آبادانی تأسیس شدند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم پی‌گیر امور عمرانی و معماری بودند. این دیوان‌ها تا پایان دوران ایلخانی با تغییر و توسعه در شکل و مفهوم اجرایی و اداری خود همچنان پابرجا بودند. برای این دوران می‌توان از پنج دیوان مهم که در خصوص امور معماری و آبادانی تأسیس شده بودند، سخن گفت. از نوشته‌های رشیدالدین فضل‌الله، هندوشاه نخبجوانی و وصاف می‌توان به سازوکار این دیوان‌ها به خوبی پی برد.

دیوان عمارت<sup>۴</sup> (رشیدالدین، ۱۳۵۸، ۳۰، ۲۲۰)، دیوان عمارت خاصه (آیتی، ۱۳۸۳، ۱۵۲، ۱۹۴، ۲۱۲؛ رشیدالدین، ۱۳۵۸، ۲۰۶؛ نخبجوانی، ۱۳۵۵، ۱/۵۴۲)، دیوان خالصات، دیوان بایرات و دیوان مساس (مساس‌خانه) از مهم‌ترین این دیوان‌ها است. (نخبجوانی، ۱۳۵۵، ۲/۲۵). هر یک از این دیوان‌ها گاه به‌طور مستقیم و گاه غیرمستقیم، ناظر بر یا همراه با امور معماری و ساختمانی بودند. حتی برخی از این دیوان‌ها چون دیوان عمارت و خاصه، معماران و مهندسان مخصوص خویش را داشتند که در استخدام و خدمت مستقیم این سازمان‌ها بودند. همچنین هر یک از امرا و وزرای دربار ایلخانی، خود بنیانگذار و حامی و ناظر ساختمان‌های بسیاری بودند. در دستورالکاتب در جایی به مجموعه‌ای معماری اشاره شده که جهت پیشرفت و اجرای بهتر آن، خود غازان به‌طور مستقیم در امور نظارت می‌کرد:

بر رای جهان‌افروز منهی می‌گردد که اندیشه‌ی تأسیس عمارت ابواب البر، از مسجد و مدرسه و خانقاه و رباط سیبل و قنطره و امثال آن در خاطر قرار گرفته و داعیه آن نصب‌العین شده اگر اشارت عالی به ارسال معماری که در صنعت هندسه عدیم‌النظیر باشد مصحوب فلان که بدین مهم آمده نفاذ یابد در وظیفه اخلاص و دولت‌خواهی افزوده شود چه معماران و مهندسان کی از عهده چنین عمارتی بیرون توانند آمد... (نخبجوانی، ۱۳۵۵، ۵۴۰).



شکل ۳. دیوان‌های دولتی وابسته به امور معماری و ساختمانی

منبع: نگارندگان

جدا از مراکز حکومتی، در سایر شهرهای این دوره چون یزد و به گواه کتاب‌های تاریخ یزد جعفری و تاریخ جدید یزد کاتب یزدی، انتقال و جابه‌جایی طرح‌های معماری بسیار رایج بود و در مواقعی حامی یا بانی با ارسال نقشه از شهری به شهری دیگر و محول کردن کارها به دست اشخاص معتمد جهت کارگزاری، به امر آبادانی و معماری اهتمام می‌ورزید. در ذکر چگونگی احداث دارالشفاء و خانقاه صاحبی در یزد که بانی آن «محمد شمس‌الدین» وزیر بود و ساخت آن را «خواجه شمس‌الدین تازیکو» به نیابت از وی انجام می‌داد، کاتب یزدی در کتاب خود می‌نویسد:

خواجه شمس‌الدین محمد این عمارت که در میان دو درگاه دارالشفاست بساخت و طرح آن نزد خواجه فرستاد. چون خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان بدید در نظرش محقر آمد. به خواجه شمس‌الدین نوشت که در خور همت خود این عمارت کرده‌ای نه در خور همت ما! خواجه شمس‌الدین از این سخن به هم برآمد و ده قفیز زمین عمارت مدرسه و مسجد و بیت‌الدویه و محبس مجانین و حوضخانه و یخدان و باغ بینداخت و بادگیر عالی و طنبی منقش راست کرد و اساس آن از آجر پخته و گچ و کاشی تراشیده کرد و منقش گردانید و این طرح نزد خواجه فرستاد. (کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۱۱۹ و ۱۲۰؛ جعفری، ۱۳۸۴، ۱۱۲).

همچنین در ذکر مدرسه شمسیه و دارالسیاده، کاتب چنین شرحی را می‌آورد: «چون امیر شمس‌الدین محمد در تبریز استقلال یافت، طرح مدرسه و دارالسیاده و چهار منار و خانقاه و بازار را بینداخت و به یزد فرستاد و قاضی چهاردیه که از امنای او بودند، تعیین فرمود، و به یزد آمدند و بنیاد عمارت کردند» (کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۱۲۰). در متون این دوره گزارش‌های قابل توجهی درباره مجموعه فرآیند ساخت‌وساز یک بنا، از چگونگی نحوه حضور و مشارکت حامی و بانی تا کارگزاری که در آن دخالت داشت و همچنین نحوه تقسیم وظایف آنها، به دست داده شده است. نقشه معماری ممکن بود در دارالسلطنه تهیه شود و برای اجرا به شهرهای دیگر فرستاده شود و بزرگان و یا معتمدان شهری چون قاضی، داروغه و گاه محتسب و یا شیخ و ساداتی، امر نظارت و اجرای آن را بر عهده بگیرند. در موارد دیگر خود حاکم و یا وزیر در «طرح انداختن» و یا نظارت بر امور معماری علاقه نشان می‌دادند. چنانچه در ذکر اجرای برخی بناهای

ایلخانی، خود حکام و وزرا طرح بنا یا مقبره خویش را بر عهده می‌گرفتند (عون‌الهی، ۱۳۸۸، ۲۳۶). در دوره تیموری کتب زیادی چون *ظفرنامه یزدی* و *مطلع‌السعدین سمرقندی* تا زبده‌التواریخ حافظ ابرو، از دخالت مستقیم تیمور در امور معماری چون نظارت و اجرا و ساخت بر آن گزارش آورده‌اند. حافظ ابرو در شرح چگونگی آداب و برخورد تیمور در امور معماری اشاره می‌کند که تیمور هرگاه خواست و میل عمارت و باغی داشت، مجموع کار و طرح اجرای بنا را بین «مخدوم‌زادگان و امرا و ارکان دولت» تقسیم می‌کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۲۴/۱؛ همچنین نک. شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۶، ۸۴۷/۱) و برای نظارت بر روند اجرای کار و تسریع امور، یک داروغه بر هر گروه یا دسته‌ای که موظف به انجام کار خویش بودند، می‌گماشت. چنانچه در روند کار سهل‌انگاری و یا پیشرفتی صورت می‌گرفت، تیمور دستور به توبیخ و مجازات و یا پاداش دادن و تحسین می‌کرد. حافظ ابرو همچنین در باب مهارت و تبحر تیمور در معماری، می‌نویسد: «والعجب چیزی چند در معماری به خاطر مبارکش می‌گذشت که استادان فن را هرگز به خاطر و ضمیر درنیامده و ندیده بود» (همچنین نک. سمرقندی، ۱۳۷۵، ۱۴۳/۱). در گزارشی دیگر از منابع این دوره، علی شرف‌الدین یزدی و خواندمیر در باب دستورات تیمور جهت مرمت و تعمیر مقبره خواجه احمد یسوی شرح مفصلی را آورده‌اند. یزدی شرح می‌دهد که چگونه تیمور خود به شخصه، درباره طرح مقبره و تعداد فضاها و تناسب آنها دستورهای لازم را صادر می‌کرد و برای مصالح و تزئینات داخلی، جزئیات ضروری را به ناظر کار ابلاغ می‌کرد. شرف‌الدین یزدی می‌نویسد: «عمارتی معتبر اساس انداختند مشتمل بر طاق وسیع رفیع با دو مناره و گنبدی مربع سی‌گز در سی‌گز و گنبدی دیگر دوازده‌گز در دوازده‌گز با چهار صفا دیگر، هر یکی سیزده‌گز و نیم در شانزده‌گز و نیم، جهت جماعت‌خانه». و در ادامه می‌نویسد: «و دیگر حجرات و توابع و لواحق و فرمان شد تا دیوار و قبه آن را از کاشی‌کاری تزئین دهند و قبر از سنگ سفید به تکلف تراشیده، نقش‌های بدیع بر آن نگارند و اتمام آن به عهده عبیدا... صدر فرمود» (شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۶، ۸۶۱/۱؛ همچنین نک. میرخواند، ۱۳۸۰، ۲۸۶۲/۹). در شرح یکی از نظارت‌های تیمور بر امور معماری و کار معماران و بنایان، شرح و گزارش کلاویخو جهانگرد دوره تیموری جالب توجه است. کلاویخو شرح می‌دهد که در زمان ساختن مسجد جامع سمرقند، تیمور با آنکه بیمار و ناخوشایند احوال بود اما هر روز صبح توسط تختی روان در محل کار حضور مستقیم می‌یافت و بر روند ساخت و ساز نظارت می‌کرد. کلاویخو درباره چگونگی تشویق کارگران توسط تیمور که با تحقیر وی همراه بود می‌نویسد: «وی دستور می‌داد که مقداری گوشت بپزند و بیاورند و آن‌گاه فرمان می‌داد تا تکه‌های آن را بر این کارگرانی که در پایین پی به کار سرگرم بودند، پرتاب کنند که گویی آنها سگ‌هایی هستند که در چاهی به سر می‌برند و شگفت که حتی خود وی نیز برای همه آنها گوشت پرتاب می‌کرد» (کلاویخو، ۱۳۷۷، ۲۸۴؛ همچنین نک. شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۶، ۹۷۸-۹۸۸). سختگیری و تنبیه و مجازات تیمور برای امور معماری در دیگر منبع این دوران یعنی کتاب *عجایب‌المقدور فی نوایب‌التیمور* نوشته ابن عربشاه نیز گزارش شده است. ابن عربشاه در گزارش محول کردن کار ساخت مسجد سمرقند توسط تیمور به یکی از مباشران خودش بنام «محمدجلد» و عدم رضایت از کار و نحوه اجرای طرح مسجد می‌نویسد: «چون تیمور از سفر بازگشت و به محض آنکه بدان نظر افکند، بفرمود که محمد جلد را به روی دراندازند و هر دو پای او بسته همچنان به صورت بر زمین کشند تا جانش بر آید و خود بر همه اموال و فرزندان و بستگانش دست بگشود و انگیزه این کار بسیار بود» (ابن عربشاه، ۱۳۸۱، ۱۲۶).

همچنین باید از حضور و مشارکت فعالانه زنان به‌عنوان حامی و بانی معماری یاد کرد. از نقش زنان دربار در این دوران به وفور می‌توان در متون شاهد آورد؛ از «ملکه کبری» یکی از همسران تیمور گرفته تا «گوهرشاد آغا» همسر شاهرخ و «فاطمه خاتون» همسر امیر چخماق (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۷؛ حافظ ابرو،

۱۳۸۰، ۴/۶۹۲؛ سمرقندی، ۱۳۷۵، ۲/۲۶۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۹۰). متون دوره تیموری از بنیان زن در نقاط مختلف این حکومت چون سمرقند، هرات، مشهد و یزد گزارش‌های قابل توجهی را ذکر کرده‌اند. در *مآثر الملوک*، نویسنده در باب حمایت گوهرشاد در تأسیس عمارتی در هرات می‌نویسد: «و بانوی عظمی گوهرشاد آغا که حرم محترم آن پادشاه جم جام بود قریب به خیابان هرات مسجد جامع و مدرسه‌ای در کمال تکلف و زیبایی بنا نهاده، به اتمام رسانید و در این مدرسه نیز حالا چهار مدرس منصوب‌اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۷). در دوران شاهرخ و حسین بایقرا یکی از نهادهای اصلی در امور هنری و معماری که وظیفه تهیه نقشه و اجرای ساختمان‌ها را بر عهده داشت، مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های سلطنتی بودند که محل تجمع هنرمندان محسوب می‌شدند. این مراکز از همجواری ساختمان‌های گوناگون چون باغ، مدرسه، کتابخانه، خانقاه و بناهایی دیگر تشکیل می‌شد. این مراکز چهار فعالیت هنری را انجام می‌دادند که عبارت بود از: تهیه کتب، تزئین و تذهیب، امور ساختمانی و احداث و برپایی ساختمان چادرهای بزرگ سلطنتی (قدسی، ۱۳۵۶، ۴۸). در واقع می‌توان گفت سازمانی به صورت تخصصی که افراد آن متشکل از خود هنرمندان و صنعتگران بودند، در امور مختلف ساختمانی ایفای نقش می‌کردند (طیبی، ۱۳۶۴، ۳۴). در کنار حامیان و بنیان، باید از ناظران و کارگزاران دولتی صحبت کرد که با انتصاب از سوی حکومت، بر امور معماری و کار معماران نظارت داشتند. حساسیتی که معماری در این دوران به همراه داشت، گاه سبب می‌شد تا در امور آن، بازرسان و ناظرانی به‌طور مستقیم حضور داشته باشند و بر اجرای ساخت‌وساز و کیفیت مصالح نظارت کنند (رضوی، ۱۳۸۹، ۴۶). این امر سبب شد تا در کار معماران، به‌ویژه «معماران صنفی»، نظارت و دخالت بر شیوه و اجرای کار بیش از پیش شود. از مهم‌ترین این بازرسان، شخص محتسب بود که هم اختیارات فراوانی در بازرسی بر اصناف و هم شیوه اجرای کار مشاغل به‌ویژه معماران و بنیان و گروه‌های مرتبط با امور ساختمانی داشت. در بسیاری از متون این دوران چون باب شصت‌ونهم کتاب *آیین شهرداری ابن‌خوه*، در خصوص نظارت و بازرسی محتسب بر اجرای مقاطعه‌کاری‌های ساختمان و اعمال صنعتگرانی که در بخش‌های مختلف ساختمانی مشغول کار بودند، گزارش‌هایی آمده است. در این کتاب، مؤلف درباره نظارت بر امور نجاران، چوب‌بران، بنیان، کارگران و گچ‌بران، می‌نویسد: «بر محتسب است که مردی ثقه و امین و آشنا به کار هر یک از ایشان برگمارد. بسیاری از صنعتگران مزد معینی را که روزانه است می‌پذیرند، اما بامداد دیر می‌آیند و عصر زودتر باز می‌گردند، محتسب باید از این کار منع کند» (ابن‌خوه، ۱۳۶۰، ۲۲۹). در کنار این موارد، بازرسی از کیفیت کار این صنعتگران هم باید توسط خود محتسب صورت بگیرد: «برخی از بنیان و نجاران و روغن‌گران (نقاشان) کاری را که کارفرما پیشنهاد می‌کند در نظر وی سبک و کوچک نشان می‌دهند تا بدان راغب شود. چون راغب شد و بدان آغاز کرد به هزینه‌ای بیش از آنچه پیش‌بینی شده است نیازمند می‌شود و متضرر می‌گردد... محتسب باید به وسیله سوگنددادن و پنددادن و ترسانیدن این گونه صنعتگران، ایشان را از این قبیل کارها باز دارد» (ابن‌خوه، ۱۳۶۰، ۲۳۰؛ همچنین نک. اشرف، ۱۳۵۳، ۲-۲۴). در مورد کیفیت امور نقاشان و همچنین در باب ترسیم تصاویر و نقاشی موجودات می‌نویسد: «از کشیدن تصاویر نیز باید ممانعت شود، زیرا رسول خدا صور تگران را لعنت کرد» (ابن‌خوه، ۲۳۱؛ همچنین نک. روزبهان، ۱۳۶۲، ۱۷۵-۱۹۵). در کتب دیگر این دوره چون *تاریخ غازی* از خرابکاری در امور معماری و عمرانی صحبت شده و بر لزوم وجود ناظرانی بر کار معماران تأکید گردیده است. به گفته رشیدالدین عده‌ای از معماران و مهندسان و مقاطعه‌کاران در کارهای خود از راه انصاف و درستی منحرف می‌شدند و در مواد ساختمانی تقلب و تزویر به کار می‌بردند. به دستور غازان بر سر هر کار، امینان و ناظرانی منصوب می‌شدند تا اجازه ندهند معماران و بنیان «آلت‌های بد بکار برند یا از گچ و ساروج چیزی کم کنند و خاک

در آن آمیزند» (رشیدالدین، ۱۳۵۸، ۲۸۸). از آنچه که درباره نقش بانی و حامی و کارگزار معماری در این دوران گفته شد، توجه به این نکته مهم است که بسته به شرایط اجتماعی، نقش و تأثیر هر یک از این مؤلفه‌ها بر فرآیند آثار معماری متفاوت بود.

### نتیجه‌گیری

آنچه که در تاریخ‌نگاری معماری این دو دوره تاریخی باید به آن توجه داشت، یکسان شمرده نشدن وضعیت و جایگاه معمار، حامی و بانی و میزان نقش آنها در فرآیند آثار معماری است. در دو دوره ایلخانی و تیموری، معماران و مهندسان در جایگاه متوسط جامعه روزگار خویش قرار داشتند، اما به این دسته و طبقه‌بندی اجتماعی محدود نبودند. در این دوران چهار گروه از این پیشه در متون قابل مشاهده است. گروهی که وابسته به دربار بودند، گروهی در اصناف شهری، گروهی معمار مهاجر و «سایر» (کسانی که پیشه ثانوی آنها معماری محسوب می‌شد و در مرتبه اول به علوم دینی یا قرآنی و ... اشتغال داشتند). از این رو، معماران به فراخور جایگاه و رابطه‌ای که با دیگر گروه‌های اجتماعی روزگار خویش داشتند، مطمئناً میزان تأثیر متفاوتی بر فرآیند یک اثر داشتند. در کنار این مورد، عامل مهم دیگر این دو دوره یعنی حامی و بانی نیز طیف گسترده‌ای را شامل می‌شد. گاه عوامل دولتی یا شخصی مشوق معماری بودند و یا مؤسسات دولتی ویژه که مأمور برپایی بناهای خاص و عمومی بودند و گاه گروه‌های بانفوذ صوفی که با اهداف و نیاتی متفاوت از معماری حمایت می‌نمودند. همچنین در مواردی که ذکر شد، گاهی حضور پررنگ حامی و بانی در فرآیند کار معماری، نقشی را به معمار نمی‌داد. از این رو، با بررسی متون تاریخی و معرفی و تعیین جایگاه گروه‌های اجتماعی که در فرآیند آثار معماری نقش داشته‌اند و مشخص کردن میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مذکور در حمایت از یک اثر و دخالت در آن، می‌توان چشم‌انداز دیگری را برای بازنویسی مجدد تاریخ‌نگاری معماری ایران ترسیم کرد. توجه به ابعاد پنهان و یا کمتر مورد توجه در معماری اسلامی ایران، گاه افراط و تفریط‌هایی را در زمینه تحلیل و تفسیر آثار معماری به همراه داشته است و سبب پررنگ یا کمرنگ جلوه دادن مؤلفه‌های سازنده آن شده است. در واقع، با پژوهش مجدد در این مسیر و حفظ نگاهی چندجانبه به آثار معماری می‌توان مانع از کلی‌گویی‌هایی در باب معماری اسلامی ایران شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در منابع و متون این دوران، در بسیاری موارد تمایز و حساسیتی برای فرق قائل شدن بین دو عنوان معمار و مهندس صورت نگرفته است و این دو عنوان بجای یکدیگر یا در کنار هم به کار گرفته شده‌اند. در متن مقاله به این بحث اشاره شده است و گزارش‌هایی از متون آورده شده است؛ چنانکه در دوره ایلخانی با صنف معماران و مهندسان روبه‌رو می‌شویم و یا می‌بینیم که در گزارش‌های متون این دوران، این عناوین در کنار هم به کار گرفته شده‌اند.
۲. منظور از نقیب‌النقبا، زعیم سادات است. همچنین پایه و منبع مباحث و تقسیم‌بندی *نفایس‌الفنون* در اصناف با اندکی تفاوت از کتاب *اخلاق ناصری* گرفته شده است.
۳. البته باید به این نکته اشاره کرد که گاه معماران و مهندسان و صنعتگرانی که از یک شهر به مراکز حکومتی و سلطنتی انتقال داده می‌شدند، از اصناف آن شهر انتخاب می‌شدند و به صورت اجباری یا اختیاری باید به شهر مورد نظر مهاجرت می‌کردند. گاه این امکان بود که از میان معماران مهاجر، کسانی که توانایی و مهارت خاصی در شغل و حرفه خود داشتند، به دربار راه پیدا کنند.
۴. این دیوان، معماران و مهندسان مخصوص به خود را داشت که می‌توان از آنها با عنوان معماران و مهندسان دیوان عمارت یاد کرد.

## فهرست منابع

- آملی، علامه شمس‌الدین محمدبن محمود (۱۳۸۱) *نفایس الفنون فی عرایس العنون*، ج ۲، محقق ابولحسن شعرانی، اسلامیة، تهران.
- آوا سابتلی، ماریا (۱۳۸۷) «باغ ایرانی واقعیت و خیال»، ترجمه داود طبایی، گلستان هنر، ش ۱۲، صص. ۱۶-۲۹.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳) *تحریر تاریخ و صاف*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ابن‌اخوه، محمدبن محمد (۱۳۶۰) *آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۶۹) *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، طرح نو، تهران.
- ابن عربشاه، احمدبن محمد (۱۳۸۱) *زندگی شگفت‌آور تیمور*، ترجمه محمد علی نجاتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ابونصر هروی، قاسم‌بن یوسف (۱۳۴۹) *ارشادالزراعه*، به اهتمام محمد مشیری، دانشگاه تهران، تهران.
- احمد دارانی، علی اکبر و هراتیان، اکرم (۱۳۸۷) «دستورالکاتب فی تعیین المراتب»، *آینه میراث*، شماره ۴۱، صص. ۲۱۹-۲۳۳.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳) «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۴، صص. ۱-۴۰.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶) *معماری تیموری در خراسان*، ترجمه علی آخشینی، آستان قدس، مشهد.
- اللهیاری، فریدون؛ نورائی، مرتضی و رسولی، علی (۱۳۸۸) «طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء، شماره ۴، صص. ۱-۴۰.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷) «الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانیان»، ترجمه ولی‌الله کاوسی، گلستان هنر، شماره ۱۳، صص. ۳۲-۴۷.
- پارسای قدسی، احمد (۱۳۵۶) «گزارش کتابخانه بایسنغر»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۷۵، صص. ۴۲-۵۰.
- پویای ایرانی، منیره (۱۳۸۶) «نمود طبقات و مشاغل در مکاتبات رشیدی»، *علامه*، شماره ۱۶، صص. ۱-۲۴.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴) *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰) *زبدهالتواریخ*، ج ۴، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲) *تزوکات تیموری*، کتابفروشی اسدی، تهران.
- خوافی، احمدبن محمد (۱۳۸۶) *مجمعل فصیحی*، ج ۳، محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۷۲) *مآثر الملوک*، به تصحیح میرهاشم محدث، خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰) *تاریخ حبیب السیر فی اخبار بشر*، ج ۴، خیام، تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷) *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳، امیر کبیر، تهران.
- رحیمی‌فر، مهناز (۱۳۷۸) *عرضه داشت*، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، ج ۱، میراث فرهنگی، تهران.
- رشیدالدین، فضل‌الله (۱۳۵۸ ق) *تاریخ مبارک غازانی*، به اهتمام کارل یال، اوقاف گیب، لندن.
- رضایی، حمید؛ ایرج پور، محمدابراهیم و نوربخش، زهرا (۱۳۹۳) «بازشناخت نامی‌نامه اثری ناشناخته از خواندمیر»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، شماره ۲، صص. ۶۷-۸۴.
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۹) «تشکیلات پیشه‌وری در عهد ایلخانان»، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، شماره ۱، صص ۴۳-۶۷.
- روزبهان، فضل‌الله (۱۳۶۲) *سلوک الملوک*، تصحیح محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، تهران.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۷۵) *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۴، به اهتمام عبدالحسن نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳) *ظفرنامه*، به کوشش پناهی سمنانی، بامداد، تهران.

- شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۶) *ظفرنامه*، ج ۲، تصحیح سید سعید محمد صادق. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- طبیبی، عبدالحکیم (۱۳۶۸) *تاریخ مختصر هرات در عصر تیموریان*، هیرمند، تهران.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۲۰) *اخلاق ناصری*، به اهتمام جلال همایی، ایران، تهران.
- عون الهی، سید آغا (۱۳۸۸) *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه پرویز زارع شاه‌مرسی. تبریز، تبریز.
- غفرانی، علی (۱۳۸۵) «رشیدالدین فضل‌الله و اندیشه آبادگری در قلمرو ایلخانان» *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۱، صص. ۱۶۷-۱۹۰.
- فرخی، یزدان (۱۳۸۶) «نقد و بررسی دستورالکاتب فی تعیین المراتب» *آینه میراث*، شماره ۳۹، صص. ۳۵۱-۳۷۲.
- فروغ‌بخش فسایی، احمد (۱۳۸۰) «دستورالکاتب فی تعیین المراتب اثر هندوشاه نجوانی» *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۵۱ و ۵۲، صص. ۴۶-۴۹.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸) «اصناف» ترجمه یزدان فرخی، *نامه انجمن*، شماره ۳۵ و ۳۶، صص. ۹۱-۱۱۲.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۰) *گفتارهای در مبانی و تاریخ معماری و هنر*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین (۱۳۵۷) *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، امیر کبیر، تهران.
- کاووسی، ولی‌الله (۱۳۸۹) *تیغ و تنبور*، هنر دوره تیموریان به روایت متون، فرهنگستان، تهران.
- گنزله دوکلاویخو، روی (۱۳۷۷) *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- لاله، هایده (۱۳۷۵) «معماران دوره اسلامی، دانش نظری و کاربرد عملی آن» *وقف میراث جاویدان*، شماره ۳ و ۴، صص. ۳۹-۵۰.
- لمبتون، ان.کی.اس. (۱۳۷۴) *دولت و حکومت در اسلام*، ترجمه سید عباس صالحی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه‌بن محمود (۱۳۸۰) *تاریخ روضه‌الصفاء*، ج ۱۰، تصحیح جمشید کیانفر، اساطیر، تهران.
- ناظری، محمدرضا (۱۳۸۸) «سیاست علمی و فرهنگی تیمور» *رشد آموزش تاریخ*، شماره ۳۴، صص. ۳۷-۴۳.
- نجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۳۵۵) *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، تصحیح عبدالکریم علی‌اوغلو علیزاده، دانش، مسکو.
- نثاری بخاری، حسن (۱۳۷۷) *مذکر احباب*، تحقیق نجیب مایل هروی، مرکز، تهران.
- نوایی، امیر علیشیر (۱۳۶۳) *تذکره مجالس النفائس*، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، کتابخانه منوچهری، تهران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۴۸) «انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشیدالدین» *جستارهای ادبی*، شماره ۱۹، صص. ۳۳۰-۴۳۵.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴) *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۸۷) «قوم‌الدین شیرازی» *ترجمه هدیه نوربخش*، گلستان هنر، شماره ۱۳، صص. ۷۴-۸۳.

